



ارائه شده توسط :

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتربر

عنوان مقاله: چرخه های تئوری پردازی در تحقیقات مدیریت

مقدمه

برخی از محققان علم سازمان و استراتژی، تلاش قابل توجهی را برای دفاع از روش های مختلف تحقیق انجام داده اند. بحث در مورد استقراری یا قیاسی بودن شکل گیری تئوری و هدف اطلاعات از مشاهدات میدانی در مقابل نمونه داده های عددی بزرگ، دو بخش جداگانه هستند که غالباً در زندگی ما و کسانی که دانشجویان ما هستند وجود دارد. با وجود این، برخی از اعضای محترم حرفه ای تحقیق ما همچنان نگرانی هایی دارند که تلاش های جمعی از دانشگاهیان تنها محدود به تولید اندک از تئوری است که باید دقیق و عملاً مفید باشد، و همچنین قادر به آزمون کردن در زمان و شرایط در حال تغییر باشد.

هدف از این مقاله این است که فهرست مطالبی از فرایند تئوری پردازی را ارائه نماید که میان داده، روش ها و تئوری ارتباط برقرار می کند. ما امیدواریم که این مدل بتواند یک زبان مشترک در مورد فرایند پژوهش فراهم کند که کمک کند به دانشمندان مدیریت تا بتوانند نقش انواع داده ها و پژوهش ها را بهتر درک کنند، و به وسیله آن بتوان در کارهای دیگر موثرتر بود.

مبنای تجزیه و تحلیل ما در دو سطح است: پژوهه های فردی و چرخه های مکرر از تئوری پردازی که در آن پژوهشگران بر اساس کارهای دیگر تلاش می کنند. مدل ترکیب و افزودن مطالعات دیگر از اجتماعات دانشمندان در مجموع تئوری معتبر و قابل اعتماد را شکل می دهد. این مفاهیم هنجاری و آموزشی برای هدایت پژوهش ها، ارزیابی کار دیگران، آموزش دانشجویان دکتری ما، و طراحی دوره های آموزشی ما استفاده می شود.

در حالی که احساس خوب در درک آنها از این دیدگاه این بوده است که بر اساس مشاهدات ما بسیاری از کسانی که در مورد فرایند پژوهش چیزی نوشتند، و آنهايی که در تفکر و تمرین خبره هستند، هنوز حتی به یک زبان مشترک نرسیده اند. واژگان مشابه در پدیده ها و فرایندهای مختلف استفاده می شوند، و همان پدیده ها می توانند به کلمات و واژگان مختلف نامیده شوند. مقالات منتشر شده در نشریات معتبر اغلب قواعد ابتدایی برای قابلیت اعتماد و اعتبار نظریه را نقض می کنند. در حالی که اذعان به دستیابی به اجماع در یک فرایند پژوهش دشوار است، ما ادعا می کنیم اگر دانشمندان و دست اندکاران مدیریت یک درک مشترک از چگونگی شکل گیری نظریه داشته باشند، ما بهتر می توانیم پژوهش را انجام دهیم. اما نقطه اشتراک استانداردهای دشوار علمی و کمک های مدیران شناختن چگونگی کارهایی است که منجر به خواسته های آنها شود.

هدف ما در این مقاله این نیست که از دیگر کارهای علمی به عنوان یک تئوری خوب یا یک تئوری بد تمجید کنیم یا انتقاد کنیم؛ تقریباً تمام بخش های منتشر شده از تحقیقات دارای نقاط قوت و کاستی های منحصر به فرد می باشد. ما مثال هایی را از دیگر تحقیقات علمی در مقاله ذکر خواهیم کرد، اما ما این کار را تنها برای نشان دادن فرایند تئوری سازی انجام می دهیم. ما امیدواریم که مدل شرح داده شده در این مقاله یک قالب و زبان متداولی را که از دیگر کارهای علمی نیز استفاده کرده است ارائه نماید.

در بخش اول از چهار بخش این مقاله، ما یک فرایند سه مرحله ای که پژوهشگران برای ارائه تئوری انجام می دهند را تشریح می کنیم. در بخش دوم، ما در مورد نقش اکتشافات از ناهنجاری در ساخته شدن بهتر تئوری بحث می کنیم. در بخش سوم ما تشریح می کنیم چگونه کسانی که تئوری را می سازند، ارزیابی می کنند و بکارگیری می کنند می توانند بگویند آیا آنها می توانند به یک تئوری اعتماد کنند- آیا آن تئوری در شرایطی که آنها پیدا می کنند معتبر و کاربردی است. در نهایت در بخش چهارم ما پیشنهاد می کنیم چگونه دانشمندان می توانند در رشته پژوهش در گیر شوند- برای طراحی دوره های دانشجوئی در جهت کمک به تئوری پردازی بهتر.

بخش اول: فرایند تئوری پردازی

تئوری پردازی در دو مرحله اصلی اتفاق می افتد که عبارتند از: اول مرحله تشریحی و دوم مرحله هنجاری و اصولی. در هر کدام از این مراحل، سازندگان تئوری یک فرایند را در سه گام انجام می دهند. فرایند تئوری پردازی از طریق این سه گام، مدام تکرار می شود.

در گذشته محققان مدیریت برای ارائه تئوری از توجه به این گام‌ها غافل بوده اند و یا تنها به یکی از این گام‌ها توجه می شد. به عنوان مثال واژگانی مانند "تئوری سودمندی" در اقتصاد، "تئوری احتمال" در طراحی سازمان، تنها به گام فردی در فرایند تئوری پردازی توجه شده است. ما پیشنهاد می کنیم سودمندتر است که تفکر در مورد تئوری به عنوان بدنی اداراکی باشد که محققان برای جمعبندی فعالیت‌های خود بر اساس این سه گام و در دو مرحله تشریحی و هنجاری استفاده نمایند. از بسیاری جهات بهتر است که واژه تئوری به همان اندازه که به عنوان یک اسم است، به عنوان یک فعل نیز باشد. به این دلیل که بدنی اداراکی آن مدام در حال تغییر است و توسط دانشمندان توسعه می یابد.

تئوری پردازی‌های تشریحی

مرحله تشریحی در فرایند تئوری پردازی یک مرحله مقدماتی و اولیه است، زیرا محققان به طور کلی باشیستی از این مرحله عبور کنند تا بتوانند تئوری هنجاری و اصولی پیشرفته تری بسازند. سه گامی که محققان باشیستی برای ساختن تئوری‌های تجویزی و اصولی انجام دهنند شامل مشاهده، طبقه‌بندی و وابسته سازی می باشد.

گام ۱: مشاهده

در گام نخست محققان پدیده‌ها را مشاهده می کنند و به دقت توصیف می کنند و آنچه را که دیده اند اندازه گیری می کنند. مشاهده با دقت، مستندسازی و اندازه گیری پدیده‌ها با کلمات و اعداد در این گام بسیار با اهمیت است زیرا اگر محققان بعدی نتوانند بر توصیف پدیده به توافق برسند، سپس ثابت کردن تئوری مشکل خواهد بود. مطالعات اخیر مدیریت مانند "کارکردها و توابع اجرایی" (Barnard, 1939) و مواردی که در

دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ در دانشکده بازرگانی هاروارد نوشته شده است کار توصیف را به این شیوه انجام داده اند که بسیار ارزشمند می باشد.

این گام از تحقیق در نمودار شماره (۱) به عنوان پایه هرم نشان داده شده است زیرا این یک بنای ضروری برای کار است. پدیده هایی که در این گام جستجو می شوند تنها شامل چیزهایی مانند افراد، سازمانها و تکنولوژی ها نمی شوند، بلکه شامل فرایندها نیز می شود. این مشاهدات در هر کجا می تواند انجام شود، در امتداد یک زنجیره از تجزیه و تحلیل پایگاه های داده بزرگ تا انتهای آن، و از سوی دیگر مبتنی بر رشته و مشاهدات مردم شناسی.

محققان در این گام اغلب توسعه می دهند که به آن "سازه" می گوییم. این سازه ها انتزاعی هستند و به ما کمک می کنند که جزئیات بیشتری از پدیده ها و چگونگی عملکرد آن را شناسایی کنیم. جوزف باورز مدیریت فرایند تخصیص منابع (۱۹۷۰ میلادی) نمونه این موضوع است. سازه او از "محرك" و "زمینه"، توضیح می دهد چگونه مقدار حرکت برای ایجاد در پیشنهادات سرمایه گذاری خاص و عدم یکی شدن در پشت سر دیگران، کمک می کند به تولید سیاست و استراتژی محققان برای تصمیم گیری درباره سرمایه گذاری های استراتژیک. تعریف اقتصاددانان از مفاهیم "سودمندی" و "هزینه های معاملات" سازه های انتزاعی هستند که به ما کمک می کنند تا کلاسی از پدیده ها که آنها مشاهده کرده اند را در ک نماییم. این مفاهیم بخشی از تئوری های شناخت رفتار مصرف کننده و فعل و انفعالات سازمانی هستند.

گام ۲: طبقه بندی

پس از مشاهده و توصیف پدیده ها، در گام دوم محققان این پدیده ها را در دسته های مختلف طبقه بندی می کنند. در مرحله تشریحی از تئوری پردازی، طبقه بندی هایی که دانشمندان انجام می دهند به طور معمول صفات پدیده های را توصیف می کند. از جمله نمونه های طبقه بندی استراتژی شرکت ها شامل شرکت های متنوع در مقابل شرکت های مرکزی، و شرکت های عمودی یکپارچه در مقابل شرکت های تخصصی می باشد. تجارت عمومی در مقابل تجارت اختصاصی نیز یک نمونه از طبقه بندی شرکت ها در زمینه عملکرد مالی آنها می باشد. این طبقه بندی ها تلاش می کنند تا روابط بین پدیده ها و خروجی های مورد انتظار آنها را ساده سازی و سازماندهی نمایند.

محققان مدیریت اغلب به این طبقه بندی های تشریحی به عنوان چارچوب و گونه شناسی ارجاع می دهند. برای مثال بورگلمن و سایلس (۱۹۸۶) بر اساس سازه باورز (۱۹۷۰) دو نوع زمینه متفاوت سازمانی و استراتژیک را تعریف کرده اند.

گام ۳: تعریف روابط

در گام سوم، محققان ارتباط و همبستگی بین دسته های مختلف و خروجی های مشاهده شده را جستجو می کنند. در مرحله تشریحی تئوری پردازی، محققان تفاوت صفات مختلف را شناسایی می کنند و روش می سازند، مرتبط ساختن و ارتباطات آنها نیز بر اساس الگوهای سودمندی از خروجی ها انجام می شود. تکنیک هایی مانند تجزیه و تحلیل بازگشت در تعریف این ارتباطات سودمند می باشد. ما اغلب خروجی های این مرحله را به صورت مدل و الگونمایش می دهیم.

تئوری تشریحی میزان ارتباط و همبستگی بین صفات طبقات مختلف در پدیده ها و خروجی ها را نشان می دهد. برای مثال، هاتون، میلر و اسکینر (۲۰۰۰) چگونگی پاسخ قیمت سهام به اعلام های درآمد را آزمون کرده اند. آنها انواع واژه ها و عبارات در اظهارات را با تغییر در قیمت سهام به عنوان متغیر های تشریحی در یک معادله رگرسیون کدگذاری نمودند.

این تجزیه و تحلیل ها محققان را قادر می سازد تا به طور متوسط در سراسر یک نمونه از کل شرکت ها و اطلاعیه ها، با روش خاصی واکنش مطلوب (و یا با کمترین نامطلوبی) به قیمت سهام داشته باشند. تحقیقات مانند این مورد در تئوری تشریحی با اهمیت است. با این حال تا این مرحله تنها می توان ادعا کرد به طور متوسط چه ویژگی هایی هستند که با بهترین نتایج را همراه خواهند بود. یک مدیر خاص در یک شرکت خاص هنوز نمی داند که آیا پس از این که فرمول به طور متوسط منجر به نتیجه مورد انتظار او در موقعیت های خاص خود می شود یا خیر. توانایی دانستن اینکه در یک شرکت خاص با موقعیت خاص خودش چه اقداماتی منجر به نتیجه مورد انتظار خواهد شد با توسعه تئوری هنجاری امکان پذیر خواهد بود که در ادامه توضیح داده شده است.

چگونه تئوری در مرحله تشریحی بهبود می یابد

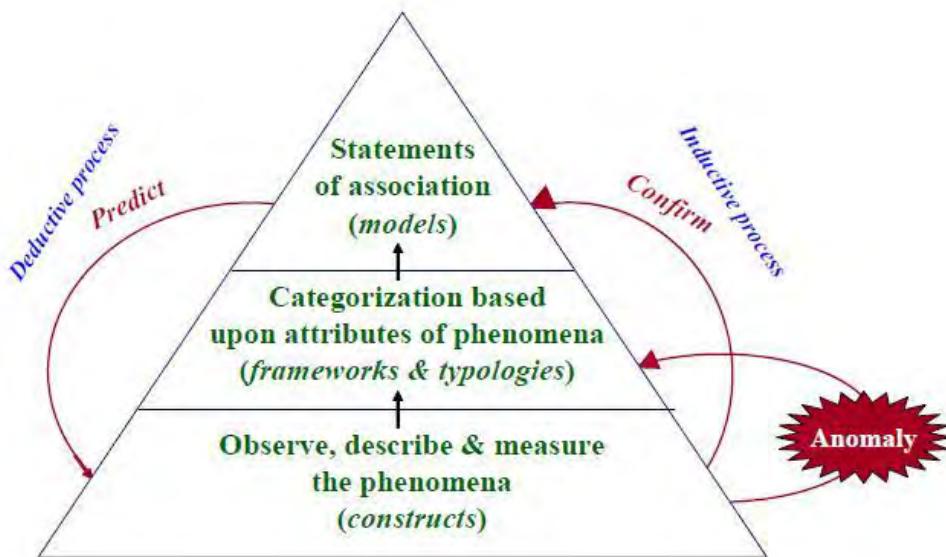
هنگامی که پژوهشگران در این هرم سه گامی از پایین به بالا حرکت می کنند - مشاهده، طبقه بندی و تعریف روابط، و ساختن مدل ها و چارچوب ها - در حقیقت آنها بخش استقرا را در فرایند تئوری پردازی طی کرده اند. پس از آن محققان می توانند با چرخش از بالا به پایین در بخش استقرائی این هرم مشغول بهبود تئوری ها شوند و به دنبال آن فرضیه هایی که به صورت قیاسی فرموله می شوند را "تست" نمایند. این امر اغلب از طریق بررسی اینکه آیا ارتباط بین ویژگی ها و نتایج در یک مجموعه متفاوت از داده ها نسبت به داده هایی که از آن روابط فرضیه القا شده انجام می شود.

هنگامی که محققان یک تئوری در یک مجموعه جدید از داده ها را تست می کنند (که آیا داده ها اعدادی در یک کامپیوتر هستند و یا مشاهدات میدانی در یک زمینه جدید)، آنها در داده های جدید ویژگی هایی از پدیده ها را پیدا می کنند که در واقع با نتایج پیش یینی شده ارتباط دارد. هنگامی که این اتفاق می افتد، این تست تئوری ارائه شده در شرایط تحت مشاهده را تایید می کند. با این حال محققانی که در این نقطه متوقف می شوند به سادگی به مدلی که در بالای هرم تست شده است باز می گردند اما دیگر بهبود نمی یابند.

این تنها زمانی است که یک ناهنجاری شناسایی شده - نتیجه ای که این تئوری نمی تواند محاسبه کند - و فرصتی برای بهبود تئوری به وجود می آید. همانطور که شکل شماره (۱) نشان می دهد، کشف ناهنجاری به محققان فرصتی برای مشاهده دوباره لایه های پایه ای در هرم تئوری می دهد - برای تعریف و اندازه گیری پدیده هایی که دقیق تر و کمتر دوپهلو هستند، و یا تقسیم آن به دسته های جایگزین - بنابراین این ناهنجاری ها و نتایج می توانند توضیح داده شوند. به عنوان مثال در مطالعه ای که در خصوص چگونگی تاثیر نوآوری های تکنولوژیکی بر رهبری شرکتها در آینده انجام شده ، در اوایل طرح طبقه بندی بر اساس ویژگی ها شامل ویژگی رادیکال در برابر ویژگی نوآوری افزایشی بوده است. عبارت های مربوط به همبستگی در هنگام استفاده شرکت ها از ویژگی نوآوری افزایشی بهتر عمل کردند، اما در مواجهه با تغییرات رادیکالی اشتباه کردند. اما برخی شرکت ها که در استفاده از ابزار تکنولوژی رادیکال موفق بودند با تعمیم این طبقه بندی مخالف بودند.

به همین جهت توomas و اندرسون (۱۹۸۶) طرح طبقه بندی متفاوتی را ارائه نمودند که عبارت بود از تغییرات تکنولوژیکی ارتقاء شایستگی ها در برابر تخریب شایستگی ها. این طبقه بندی جدید بسیاری از مخالفت ها را با طرح طبقه بندی اولیه از بین برداشتند. اما محققان بعدی جنبه های جدیدی از طرح طبقه بندی توomas و اندرسون را کشف نمودند. برای نمونه هندرسون و کلارک (۱۹۹۰) طبقه بندی نوآوری های مدولار و پیمانه

ای را در مقابل معماری ارائه نموده اند. و یا کریستنسن (۱۹۹۷) طبقه بندی تکنولوژی های تقویت کننده در مقابل از هم گسیخته را ارائه کرده است. و گیلبرت (۲۰۰۱) طبقه بندی تهدید در مقابل فرصت را ارائه کرده است. همچنین دانشمندان کشف کردند که با تجزیه کردن فرضیات در روش های مختلف و تعریف وابستگی های میان طبقه بندی های مختلف و خروجی های مورد انتظار آنها، این مخالفت ها قابل حل شدن می باشد.



نمودار شماره ۱: فرایند تئوری پردازی

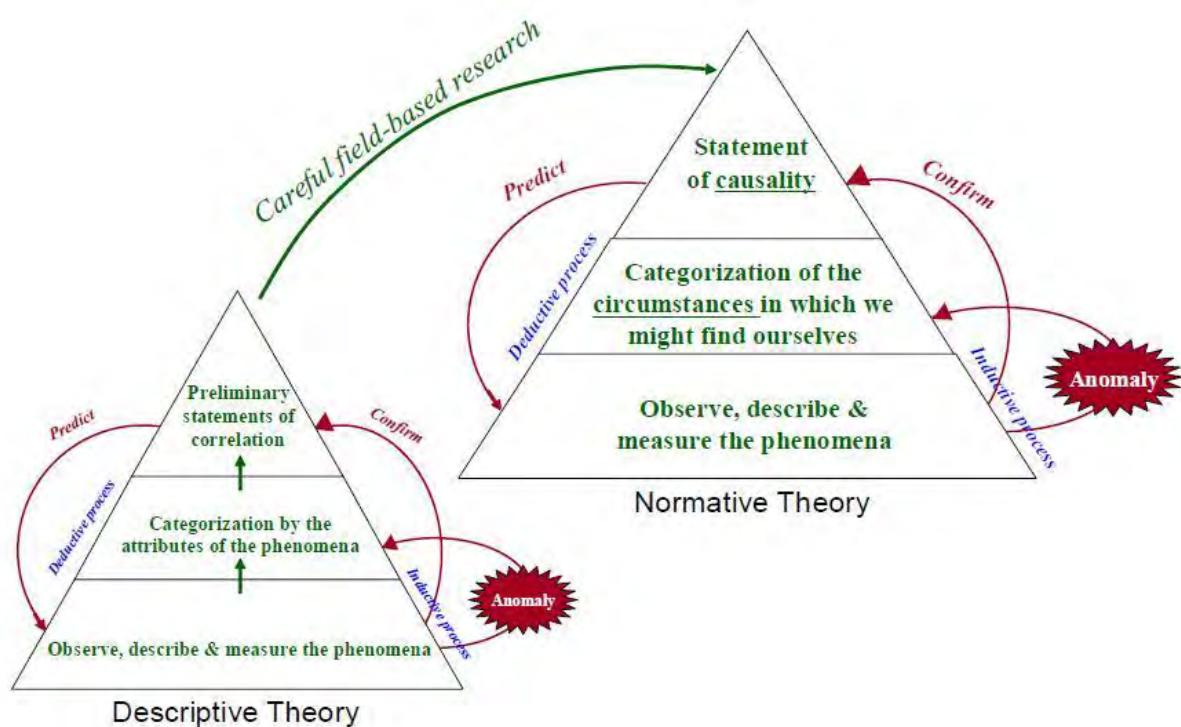
در راستای بسیاری از مباحثی که در مورد مزایای روش های قیاسی و استقرایی (روش های کمی و کیفی) انجام شده است، پیشنهاد ارائه شده در قالب ۲ هرم قابل ارائه می باشد. تلاش های مربوط به تئوری پردازی توسط محققان معمولاً زمانیکه به نیمه هرم می رساند احساس موققیت می کنند و از حرکت می ایستند.

تلاش های مربوط به تئوری پردازی های تشریحی معمولاً نوعی طبقه بندی فرضیات بر اساس ویژگی های آنهاست، زیرا این ویژگی ها راحتر قابل مشاهده و اندازه گیری هستند. همچنین سنجیدن همبستگی میان ویژگی ها و نتایج برای فرضیه سازی و تنعام تجزیه و تحلیل های کمی بر روی آن آسان تر است. کوهن (۱۹۶۹) در تحقیقات خود مشاهده کرد که سردرگمی و تناقضات پیش آمده در فرایند تئوری پردازی های تشریحی معمول و عادی است. این مرحله معمولاً با طبقه بندی زیاد مشخص می شود زیرا فرضیه های عمومی دارای ویژگی های

زیادی هستند. هر مشاهده ای می تواند انحرافات دیگر مدل ها را توضیح دهد، اما انحرافات خود را نیز تحمل می کند و دربر دارد.

انتقال از تئوری های تشریحی به تئوری های تجویزی

تناقضات و سردرگمی هایی که اغلب در تئوری های تشریحی به وجود می آید می تواند هنگامی که محققان به دقت همبستگی و علت خروجی ها را بررسی می کنند، حل شوند. همانطور که در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است، حرکت به سمت راس هرم در تئوری های تجویزی، عباراتی است که نه فقط همبستگی را بررسی می کند بلکه دلایل خروجی های مورد انتظار را نیز بیان می کنند. فهمیدن رابطه علت و معلولی پدیده ها محققان را قادر می سازد تا اثبات کنند مدیران چه عملکردهایی باید داشته باشند تا به نتایجی که آنها نیاز دارند دست یابند. به دلایلی که در زیر بیان شده، تئوری تجویزی قدرت پیش بینی بیشتری از تئوری تشریحی دارد.



نمودار شماره ۲: انتقال از تئوری تشریحی به تئوری تجویزی

تئوری تجویزی نیز مانند تئوری تشریحی نیازمند بهبود است و محققان این کار را با فعالیت های زیر و گام های مشابه در تئوری تشریحی انجام می دهند. فرضیه سازی در رابطه با درستی رابطه علت و معلولی عبارات،

آنها چرخه استنتاج را برای آزمایش عبارت های بیان کننده علت ها از پایین هرم انجام می دهند: اگر ما عملکرد هایی را که انجام می شود مشاهده کنیم، باید نتایجی باشد که ما مشاهده می کنیم. وقتی که آنها با یک پدیده غیر متعارف مواجه می شوند، آنها مجددا در طبقات پایین هرم کاوش می کنند. آنها گاهی می توانند استثنایات را با دقت بیشتر حل کنند و از روش های کمتر ابهام آمیز برای تعریف و ارزیابی پدیده ها استفاده نمایند. آنها موارد استثناء را با انجام مجدد گام طبقه بندی بررسی می کنند. برای تئوری پردازی های تجویزی نسبت به طرح هایی که بر اساس ویژگی های پدیده ها می باشد، محققان رویدادها و موقعیت های مختلفی را که مدیران ممکن است با آن مواجه باشند را طبقه بندی می کنند. هنگامی که آنها با استثنائی مواجه می شوند، این کار را به این پرسش انجام می دهند که: مدیران در چه موقعیتی بودند که نتایج مختلف به دست آمده است؟ با پرسیدن این سوال محققان بین بالا و پایین هرم تئوری تجویزی حرکت می کنند، مشاهدات غیر متعارف محققان نیز در نهایت با موقعیت ها و رویدادهای خاصی که مدیران با آن مواجه بوده اند تعریف می شوند.

تاریخچه تحقیق در سرنشین پرواز روش مناسبی برای مجسم کردن چگونگی انتقال از تئوری تشریحی به تئوری تجویزی است. در طول قرون وسطی هوانوردان به عنوان بهترین تجربه تحقیقات و آنالیزهای آماری بودند. آنها مشاهده کردند که بسیاری از جانوران توانایی پرواز دارند و این جانوران را با دیگر حیوانات مقایسه می کردند. اکثریت پرنده‌گان موفق دارای دو بال بودند و اکثر حیواناتی که توانایی پرواز را نداشتند فاقد این ویژگی بودند. این همان جوهر اصلی تئوری تشریحی است. در این دوران هوانوردان نیز از بهترین تجربیات پرنده‌گان برای موفقیت در پرواز الگوبرداری کردند. سپس آنها دو بال ساختند و به هم متصل کردند، سپس از یک بلندی به پایین پردهیدند و به شدت بال زدند. اما این کار جواب نداد. آنها برای یک قرن برای پرواز تلاش کردند و ویژگی های تمام پرنده‌گانی که توانایی پرواز را داشتند و آنها بی که توانایی پرواز را نداشتند بررسی کردند.

سپس در مطالعات دقیق آقای باکون در خصوص ماشین های متحرک دنیل برنولی، به طرحی از ایرفویل دست یافتند که پرواز را امکان پذیر می کرد. کشف این استثناء به محققان اجازه داد تا طرح طبقه بندی خود را مجددا بازیینی کنند. در این هنگام به جای حرکت به بالا و پیشرفت روزگار با ویژگی های خوب و بد پرنده‌گان، محققان روزگار را با پاسخ به این سوال طبقه بندی کردند: چگونه هوانوردان متوجه شدند که چه علت هایی باعث سقوط هواپیمای آنها شده است؟ این موضوع باعث شد تا آنها بتوانند تکنیک ها و ابزارهایشان را بهبود

بخشنده. اما زمانیکه شما در این وضعیت قرار دارید، به منظور دستیابی به خروجی های مورد انتظار به پرواز با طرق مختلف نیاز دارید.

دنیای مدیران نیز امکان ندارد که کاملاً قابل پیش بینی شود. مدیران نیز مانند هوانوردان با شرایط خاصی مواجه هستند و روش ها و ابزار کافی در اختیار ندارند. همچنین فاکتورهای انسانی و پویایی های گروهی پیچیده مانع پیش بینی صحیح می شوند. اما با این وجود مطالعات دانشمندانی مانند هکمن در فهمیدن نتایج مربوط به رهبری رفтарها و اینکه چگونه نتایج در شرایط مختلف تغییر می کنند، به ما کمک می کند.

اهمیت گام طبقه بندی

دانشمندان بر جسته برای بهبود پیش بینی شرایط انتقال از طبقه بندی بر اساس ویژگی هایی که در تئوری تشریحی انجام می شود نسبت به طبقه بندی بر اساس شرایط محیطی که در تئوری تجویزی انجام می شود آزمایشاتی را انجام داده اند برای مثال تئوری احتمال مفهومی است که توسط لاورنس ولوسچ (1967) ارائه شده است آنها نشان دادند که بهترین راه برای سازماندهی یک شرکت بستگی دارد به شرایط محیطی که آن شرکت در آن عملیات خود را انجام می دهد

گلاسر و استراوس (1967) در تئوری زمینه ای توضیح می دهند طبقه بندی بر اساس ویژگی ها را که تئوری تشریحی مطرح می شود و مفهوم تئوری رسمی که آنها بیان می کنند با تعریف ما از تئوری تجویزی تطابق دارد که طبقه بندی بر اساس شرایط به کار می گیرد.

زمانیکه محققان در خصوص تعدادی از شرکتهای موفق مطالعه می کردند متوجه شدند وقتی تعدادی ویژگی های خاص را به اشتراک گذاشتند می توانستند به اندازه کافی آنها را جمعبندی کنند و احساس می کردند که موفق شده اند. اما زمانیکه مدیران این فرمولهای محققان را اجرا کردند برخی از آنها متوجه شدند که این فرمولها در شرکت آنها کار نمی کند. برخی از این تئوری های پیرو مدد و زودگذر برای اجرای بد هستند. نویسندهای این تئوری ها خیلی مشتاق هستند که تئوری آنها توسط دیگران اجرا شود امان آنها شرایط را در نظر نمی گیرند و این باعث می شود تئوری آنها منجر به موقفيت نشود. تلاشهای مربوط به معرفی بهترین تجربیات از شرکتهای موفق معمولاً دچار این مشکل می شوند (زیرا شرایط را متفاوت در نظر نمی گیرند).

متأسفانه این تنها مشکل نویسنده‌گان کتابهای مدیریت اینست که مطالعه جامع و موردی مجلات علمی مدیریتی امروزی می‌تواند موجب سرخوردگی شود- زیرا اغلب مقالات منتشر شده بخش خیلی کمی را به جداول طبقه‌بندی اختصاص داده‌اند. زمانیکه طبقه‌بندی‌های مختلف امروزی بر جسته می‌شود، اغلب آنها ب متغیر‌های مصنوعی دسته بندی شده‌اند، نسبت به اینکه بخواهند طبقه‌بندی شفاهی داشته باشند. برخی از محققان مدیریت قانع شده‌اند که بخش انسانی سیستم‌های اجتماعی بسیار چند‌وجهی و پویا هستند و ساده سازی معنادار آنها در چندین طبقه محدود در شرایط محیطی گوناگون غیر ممکن است. آنها اظهار می‌کنند که مدیران جهان بسیار پیچیده هستند زیرا آنها با تعداد بسیار زیادی از شرایط متفاوت مواجه هستند در واقع طبقه بندی ویژگی‌های بسیار نزدیک در مرحله شوراهای تشریحی بسیار پیچیده شده است به خصوص در برخی زمینه‌ها، اما به طور کلی تئوری تجویزی خیلی سردر گم کننده نیست، محققان در مرحله تئوری تجویزی پیچیدگی‌ها را با خلاصه کردن جزئیات در تعدادی طبقه (مثلًا ۲ یا ۴) که شامل شرایط محیطی مختلف می‌شود، حل نموده‌اند.

پیدا کردن مرزهای بر جسته از دسته بندی بر اساس شرایط

اگر طبقه‌بندی بر اساس شرایط بخواهد در مبنای تئوری پردازی تجویزی باشد، محققان چگونه باید در خصوص مرزهای تعریف طبقه‌ها تصمیم گیری کنند و چه تعاریف بالقوه‌ای از مرزها برای پیش‌بینی دقیق و در ک مطلب مناسب نیست؟ اگر به مقاله هوانوردان برگردیم، مرزهای مناسب برای طبقه‌ها بر اساس شرایط، با ضرورت‌های متفاوت هواپیما تعیین می‌شود. اگر شرایط متفاوت به روشهای متفاوت خلبانی نیاز نداشته باشد، در این صورت آن طبقه‌بندی معنا داری نیست. ما پیشنهاد می‌کنیم در مدیریت برخی اصول برای تعریف این مرزها تعیین شود. اگر مدیران خودشا را در شرایط متفاوتی بینند که باید عملکردهای متفاوت داشته باشند و یا سازمان خروجی‌های مورد انتظار مختلفی داشته باشد، در این صورت آنها مرزه بر جسته‌ای میان طبقه‌ها دارند.

ارزش نا هنجاری‌ها در تئوری پردازی بهتر

همانطور که در قبل نشان داده شد، زمانیکه محققان در هر دو مرحله تئوری توضیحی و تجویزی از بالا به پائین هرم حرکت می‌کنند از حالت‌های مختلفی برای پیش‌بینی آنچه آنان خواهند دید استفاده می‌کنند، اما

آنها اغلب چیزهایی را مشاهده می کنند که تئوری منجر به آنها نمی شد، در نتیجه شناسایی ناهنجاری یعنی چیزهایی که تئوری نمی تواند توضیح دهد. بسیاری از اکتشافات تئوری های ارائه شده توصیف اندازه گیری است یا در پازلها ی طبقه بندی شده مانند "چیزهایی که در اینجا وجود دارد" و یا این ۲ چیز است که مادر مورد آن فکر دیگری می کردیم و دقیقاً همان نیست. نتایج این تلاشها معمولاً شامل موارد زیر می توانند باشد:

۱) یک پدیده دارای توصیف و اندازه گیری دقیقتر هست یا نه،

۲) تغییر تعاریف پدیده ها یا شرایط آن طبقه بندی ها، اضافه کردن یا حذف طبقه ها یا تعریف آنها به روشهای مختلف،

۳) پیکربندی یک حالت تئوریک جدید از آنچه که مرتبط است و یا علل و چرایی و تحت چه شرایطی بودن.

هدف این فرایند این است که تئوری را در مورد تعریف ناهنجاری ها و پدیده هایی که قبلاً به خوبی توضیح داده شد بازنگری کند.

چگونه تحقیقات ناهنجاری-جویی را طراحی کنیم

اگر چه برخی از ناهنجاری های تولیدی ممکن است از همان ابتدا واضح باشد، اما کار اغلب دانشمندان تئوری پردازی این است که تحقیقشان را طوری طراحی کنند که قادر باشند حداکثر ناهنجاری ها را شناسایی کنند. هدف پاراگراف های زیر این است که به محققان کمک کند تا با تعریف سوالات تحقیق و تمرکز بر ناهنجاری ها، تئوری پردازی کارامدتری داشته باشند.

۱- سوالات تحقیقات ناهنجاری-جویی

تحقیقات ناهنجاری-جویی این امکان را به محققان جدید می دهد که تئوری های پذیرفته شده جدیدی را ارائه نمایند و چرخه تئوری پردازی را اجرا نمایند. پروفسور پورتر (1991) نیز تحقیقات خود را با روش مذکور انجام داده است.

در این راستا ما در ادامه چند نمونه از رئوس مطالب و سوالاتی که به صورت بالقوه محققان در آینده می توانند از آنها استفاده کنند و برای طبقه بندی چالش های بالقوه در تحقیقات مدیریتی استفاده می شوند را بیان کرده ایم.

- چه موقع ممکن است فرایند مهندسی مجدد و تولید ناب ایده های نامناسبی باشند؟
- چه موقع منبع یابی چیزی از یک همکار یا تامین کننده که جزء شایستگی های کلیدی شما نیست ممکن است منجر به شکست شود؟
- آیا شرایطی وجود دارد که در آن روش مداد بر روی کاغذ برای مدیریت فروش مناسب تر از استفاده از نرم افزار مدیریت زنجیره تامین باشد؟
- در خرده فروشی، چه زمانی و چرا توقف یکباره خرید یا پورتال استراتژی مناسبی است و چه زمانی ما انتظار داریم که شرکت با استفاده از استراتژی تمرکز متخصصین دریافتی بیشتری داشته باشد؟
- چه موقع رقابت مبتنی بر زمان و سفارشی سازی انبوه به احتمال زیاد حیاتی می شود و چه موقع ممکن است رقابت بی معنایی باشد؟
- آیا کدهای SIC طبقه بندی مناسبی برای تعریف ارتباطات در تحقیقات می باشد؟
- چه موقع باید شرکت های وابسته به سازمان را خریداری نمود و چه زمانی باید آنها را جدا نگه داشت؟
- در چه شرایطی تئوری "دست مرئی" چندلر (۱۹۷۷) از سرمایه داری مدیریتی عامل حیاتی موقفيت سازمانی است و در چه شرایطی تئوری "دست نا مرئی" آدام اسمیت (۱۷۷۶) بهترین مکانیسم برای ایجاد سازمانی است؟

تحقیقات ناهنجاری-جویی اغلب در هرم تئوری پردازی بر روی طبقه بندی متمرکز می باشد. متاسفانه مرزهای طبقه بندی در بسیاری از تحقیقات (مانند کدهای SIC) به نظر می رسد با دسترسی به داده ها تعریف شده، به جای اینکه با حدود و اهمیت خود پدیده ها و یا خروجی های مرتبط آنها تعریف شود. پرسشگری کافی از طبقه ها تقریبا همیشه یک مسیر کارامد برای تئوری پردازی بهتر می باشد. "چه موقع این کار نیست؟" و "تحت چه شرایطی ممکن است مژده دادن خبر بدی باشد؟"، اینها نمونه سوالاتی هستند که می توانند بینش دستیابی به موقفيت عملکرد باشند و هنوز تعداد محدودی از محققان اینها را می پرسند.

۲- دقت بر روی دیگر رشته ها

یکی از مشاهدات کو亨 (۱۹۶۲) مشخص نموده است ناهنجاری هایی که منجر به سرنگونی نظریه غالب و یا پارادایمی می شود که در رشته های مختلف وجود دارد، در آن رهبرانی که به شیوه سنتی آموزش داده شده اند وجود دارند. آنها معتقدند که شکل دادن قدرتمند پیروان تئوری قبل امکان پذیر نخواهد بود و ارتباط پدیده غیر عادی که منجر به ایجاد نظریه بهبود یافته می شود را نمی توان دید. محققان در رشته های مختلف از روش های مختلف تحقیق استفاده می کنند و علائق متفاوتی در مورد موضوعات تحقیق دارند. این تفاوت ها اغلب به آنها اجازه می دهد که چیزهایی که تشخیص نمی دهند و یا چیزهایی که به نظر به اهمیت می رسد را ببینند.

۳- مطالعه یک پدیده در پدیده دیگر

سومین روش برای اینکه محققان با احتمال بیشتری ناهنجاری ها را شناسایی کنند شامل اجرای طرح تحقیق تو در تو که به بررسی سطوح متفاوت از یک پدیده می پردازد، می باشد. نسبت به مطالعاتی که فقط صنایع و یا شرکت ها و یا بخش ها و یا گروه ها و یا افراد را بررسی می کنند، طرح تحقیق تو در تو مستلزم این است بررسی کند افراد چگونه عمل می کنند و در گروه چگونه تعامل می کنند و ارتباطات میان گروه ها چگونه است. بسیاری از ناهنجاری ها تنها در تعاملات سطح دوم در سطوح مختلف شناسایی می شوند.

۴- مشاهده و مقایسه طیف گسترده ای از پدیده ها

ساز و کار چهارم برای به حداکثر رساندن احتمال آزمایش رویه ناهنجاری این است که محدوده وسیع تری از پدیده را نسبت به دانشمندان قبلی داشته باشیم. طیف گسترده ای از خروجی ها، ویژگی ها و شرایطی که دانشمندان در پایه هرم تحقیق آزمایش می کنند، احتمال بیشتری دارد که آنها بتوانند مرزهای برجسته ای را در میان مجموعه ها و طبقه های مختلف شناسایی کنند. به عنوان مثال، بررسی انجام شده توسط چسبروم (۱۹۹۹) در مورد سازندگان دیسک درایو این امکان را به او داد تا بتواند رویه ای از ناهنجاری ها را که او نمی توانست

برای تئوری پردازی بهتر محاسبه کند را شناسایی کند. این موضوع توضیح می دهد که شرکت های یکپارچه چگونه به صورت عمودی و افقی می توانند اختلافات را در شرکت ها مدیریت کنند.

تحقیقات ناهنجاری-جویی و ساختار تجمعی دانش

هنگامی که ما از دانشجویان دکتری که کاندیدای عضویت هیئت علمی شده اند و با روش هی مدلسازی و تجزیه و تحلیل داده ها آموزش دیده اند در مورد طرح مطالعاتیشان سؤال می کنیم، مشاهده می کنیم که آنها یک لیست طولانی از مقالات در مرور ادبیات نظری را ارائه می کنند. اما هنگامی که از آنها پرسیده شد که کدام دانشمندان ناهنجاری ها را در تحقیقات قبلی حل کردند و نتایج و چرایی آن را می پرسیم دچار مشکل می شوند. تهیه لیستی از تحقیقات قبلی بسیار ساده است که گاهی اوقات از فهرست نویسنده‌گان مقالات قبلی برداشته می شود. اگرچه اساتید راهنمای آنها ادعا می کنند چگونگی تئوری پردازی را آموخته اند، اما تعداد بسیار کمی از آن دانشجویان دکتری برای سازماندهی مستند تحقیقات محققان قبلی آموزش داده شده اند و نمی توانند به خواننده‌گان این حس را منتقل کنند که تئوری چگونه ساخته می شود. بنابر این اعضای هیئت علمی باید این عادات پژوهش را در هنگام آموزش های جدید دکتری و انتشار مقالات نهادینه کنند.

ما پیشنهاد می کنیم که در انتخاب سوالات پژوهشی و طراحی روش های پژوهشی، محققان برای بررسی ادبیات تحقیق مطابق فرمت ارائه شده در نمودار شماره ۲، از روش گیلبرت (۲۰۰۵) تبعیت کنند. بنابراین آنها باید سوالاتی مانند اینها را پاسخ دهند:

این تئوری از جنس تشریحی است یا هنجاری؟

چه ناهنجاری هایی در کار محققان قبلی مرور شده، و تحقیق آنها چه بخشی از ناهنجاری را حل کرده است؟ چه نسل هایی از طبقه بندي توسط دانشمندان قبلی پیشنهاد شده، و این طرح ها چگونه از طریق این فرایند بهبود می یابند؟

در چه مرحله ای من باید در کارم به سمت جلو حرکت کنم؟ آیا باید در پایه هرم ساختارهای انتزاعی از جزئیات پدیده را تعریف کرد، به طوری که دانشجویان از این زمینه دانش بهتر بتوانند در ک کنند که واقعاً چه می گذرد؟ بیشترین نیاز به تقویت این پایه و اساس به ارائه روش هایی برای آزمایش و ارزیابی پدیده های غیر مبهم است؟

حقوقانی که به این ترتیب تلاش می کنند زمانیکه مشکلات و انباشت دانش با توجه به زمینه یک رشته را مشاهده می کنند شوکه می شوند. در بسیاری از موارد، آن را به سادگی نمی توان خلاصه کرد، و این به عنوان نقد پاراگراف اول ما مشاهده می شود.

تئوری سازی در مقابل تئوری پردازی

بخش قابل توجهی از حقوقان در زمینه های خاصی از مدیریت تلاش های خود را با تمرکز در ساختن مدل های ریاضی در بالای هرم تئوری شروع کرده اند و همینجا مانده اند، زیرا مدل های بهینه آنها برای مرتب سازی ناهنجاری های تجربی طراحی نشده است که ما در بالا در مورد آن بحث کردیم. این کار تمایل به بهبود در ریاضی دانان هوشمند ابداع روش هایی است که متغیرهای بیشتری را در مدل های خود داشته باشد، و یا کشف چگونگی استخراج نتایج در حالی که ساخت "واقعگرایانه" به مفروضات ساده تر از قبل توسط دانشمندان انجام شده بود.

زیرا این بهبودها تمایل دارند که از طریق مفهومی به جای جعل تجربی نتایج را بدست آورند، که ما در اینجا به آن تئوری پردازی نسبت به ساختن تئوری می گوییم. در روح تلاش این مقاله برای پی ریزی شالوده ای تشریحی و محکم برای ساختمان تئوری است، ما احساس می کنیم آن مهم است برای اختصاص واژه های مختلفی را برای روند الگوسازان خالص به کار است. تئوری پردازی سازمانی اساساً متفاوت از فرایند تئوری سازی که اینجا شرح داده شده می باشد، که در آن جستجو برای ناهنجاریهای تجربی نقش ذاتی دارد.

ایجاد اعتبار و قابلیت اطمینان تئوری

نگرانی های اولیه از هر مصرف کننده تئوری مدیریت در ک کاربرد آن است، و اینکه آن کجا صدق نمی کند. ین (۱۹۸۴) در مورد این نگرانی ها با تعزیف ۲ نوع اعتبار برای تئوری (اعتبار داخلی و خارجی) به ما کمک می کند تا در ک کنیم که در چه زمانی ما می توانیم به تئوری اعتماد کنیم. در این بخش ما بحث خواهیم کرد که این مفهوم چه ارتباطی با مدل ما از تئوری پردازی دارد، و اینکه حقوقان چگونه می توانند تئوری های خود را با استفاده از این ۲ بعد معتبر تر کنند.

اعتبار درونی

اعتبار درونی یک تئوری شامل موارد زیر می باشد:

- ۱) نتیجه گیری آن بدون هیچ ابهامی از ساختمان و حیطه آن می باشد.
- ۲) محققان تمام استدلالات قابل قبول جایگزین را که ممکن است با پدیده نتایج مورد انتظار مرتبط باشند رد می کنند.

بهترین روشی که ما برای ایجاد اعتبار داخلی تئوری می شناسیم این است که یک پدیده را از طریق جنبه های رشته های زیاد و بخش هایی از شرکت هایی که ممکن است بررسی کنیم. زیرا استدلالات قابل قبول جایگزین تقریباً همیشه با بررسی کارکردهای بخش دیگری از یک شرکت، و از طریق جنبه ها و ابزارهای دیگر از رشته های دانشگاهی دیده می شود.

هنگامی اینها امکان پذیر است که یک محقق دیگر بتواند بگوید "یک دقیقه صبر کنید". اینها توضیحات مختلفی برای این است که ما چرا نمی توانیم از اعتبار داخلی تئوری اطمینان داشته باشیم. پژوهشگرانی که یک پدیده و خروجی های مورد انتظار را از همه جنبه ها و همه دیدگاه های بالقوه مربوطه را بررسی کرده اند، می توانند علت چیزهایی را که یاد گرفته اند توضیح دهند، و یا استدلالات دیگر را رد کنند.

اعتبار بیرونی

اعتبار بیرونی تئوری این است که تا چه حد رابطه بین پدیده ها و نتایجی که در یک زمینه خاص مشاهده می شود قابل اعتماد برای کاربرد در زمینه های دیگر است. بسیاری از محققان به این باور رسیده اند که اعتبار خارجی یک تئوری توسط "تست کردن" آن را بر روی مجموعه داده های مختلف ایجاد می شود. اعتبار خارجی تئوری می تواند به دو دلیل ایجاد نشود. اول اینکه محققان نمی توانند یک تئوری را در هر مجموعه داده ها ممکن و قابل تصور تست کنند. دوم اینکه داده ها تنها در مورد گذشته وجود دارند. چطور ما می توانیم مطمئن باشیم که یک مدل در زمان حال یا آینده کاربردی است، تا زمانیکه داده ها بر روی آن تست نشده باشد؟

برای نشان دادن این مشکل، تجربه کریستنسن بعد از انتشار تئوری از نوآوری درهم گسیخته در نظر گرفته شده است. این تئوری هنجاری از طریق تجزیه و تحلیل دقیق تجربی از تاریخچه صنعت دیسک درایو مشتق

شده بود. این ادعا در دو شرایط وجود دارد - شرایط حفظ و درهم گسیخته - که در آن ممکن است مدیران نوآور خودشان را بیابند. بنابراین تعریف یک مکانیسم علی و معلولی که باعث موفقیت یا شکست افراد و شرکت‌ها در انواع مختلف از خلاقیت و نوآوری در آن شرایط متفاوت می‌شود.

اندازه نمونه و اعتبار

روش‌های اندازه‌گیری اهمیت آماری قطعاً نشان می‌دهد که با حجم نمونه بزرگ‌تر، ما از اعتبار داخلی مدل مطمئن‌تر می‌شویم. برخی گمان می‌کنند که یک تئوری به دست آمده از داده‌های بزرگ به نمایندگی از کل جمعیت از شرکت‌ها دارای اعتبار خارجی بیشتر از یک نظریه حاصل از مطالعات موردنی تعداد محدودی از شرایط است که در آن جمعیت را داشته باشد. اما همیشه اینطور نمی‌باشد.

هنگامی که واحد تجزیه و تحلیل یک جمعیت از شرکت‌ها است، محقق می‌تواند فقط در مورد کل همان جمعیت از شرکت خاص صحبت کند. برخی از مدیرانی که از آن فرمول تبعیت کردند در وضعیت خود بهترین عملکرد را داشته‌اند. با این حال گاهی اوقات آن اقدام مطلوب در موقعیت‌های خاص خروجی ندارد. از این رو پژوهشگرانی که یک تئوری را از مطالعه آماری در مورد یک جمعیت استخراج نموده‌اند هنوز نیاز دارند که از طریق طبقه‌بندی بر اساس شرایط برای تئوری خود اعتبار خارجی ایجاد نمایند.

چه انواعی از داده‌ها می‌تواند عملکرد اعتبار تئوری را مورد اطمینان قرار دهد؟

علاوه بر اعتبار داخلی و خارجی تئوری، روش سومی برای اندازه‌گیری کیفیت اعتبار یک تئوری وجود دارد - که تا چه حد محقق دیگر می‌تواند همان نتیجه‌گیری از مشاهدات مشابه بدست آورد. دو گانگی بین ذهنیت و عینیت است که اغلب به عنوان یک نقطه شکافتنگی استفاده می‌شود برای قضاوت در مورد قابلیت اطمینان داده‌ها و نظریه‌های مشتق شده از آن - با بسیاری از مشاهدات عددی، داده‌های عینی و قابل اعتماد از داده‌های ذهنی. اما جایی که کمی سازی می‌کنند، داده‌ها از "هدف" می‌آیند؟ به عنوان مثال داده‌های مورد استفاده در بسیاری از پژوهه‌های تحقیقاتی از صورتهای مالی شرکت می‌آید. آیا این هدف است؟

جانسون و کاپلان (۱۹۸۷) نشان دادند کاملاً متقاعد کننده است اعدادی که به نمایندگی از درآمدها، هزینه‌ها و سود در صورتهای مالی در نتیجه فرآیندهای برآورد، مذاکره، بحث و سیاست هستند، می‌تواند بازتاب های به شدت نادرست از هزینه‌های واقعی و سود تولید باشند.

سالمترین و دقیق ترین ذهنیت برای پژوهشگران این است که تقریباً تمام داده‌ها - چه در فرمی از تجزیه و تحلیل نمونه داده‌های بزرگ در یک سو، و یا توصیف مردم نگارانه از رفتار از سوی دیگر ارائه شده است - ذهنی هستند. داده‌های عددی و کلامی به طور یکسان و انتزاعی از یک واقعیت بسیار پیچیده تر، تلاش محقق به جلو و برجسته ترین متغیر و یا الگوهایی برای بررسی کردن است. با توجه به این که ذهنیت از داده‌ها از رشته مبتنی بر تحقیق قوم نگاری آشکار است، منابع ذهنیت پشت داده‌های عددی پنهان است و نمی‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. باید در میان پژوهشگران کمی در مورد بی طرفی ادعایی از داده‌های خود تعصب نباشد، و هیچ حالت تدافعی در میان محققان زمینه‌ای در مورد ذهنیت وجود نداشته باشد. ما همه در همان قالب ذهنی، و موظف به رعایت فروتنی و صداقت با خودمان و همکاران ما در مورد جایی که داده‌های ما می‌آید هستیم، که از یک شرکت به صورت جداگانه در داخل و جمعی در سراسر چرخه تئوری ساختمان می‌آید.

بسیاری شیوه تئوری، تنها راهی که ما می‌توانیم در مورد ارزش داده‌ها قضاوت کنیم توسط سودمندس در درک ما از جهان است برای شناسایی دسته‌ها، پیش‌بینی و رویه ناهنجاری‌های.

مفاهیمی برای طراحی دوره‌های آموزشی

دانشکده‌های مدیریت به طور کلی از دو روش آموزش کلاسی استفاده می‌کنند: کلاس‌های مورد-پایه و کلاس‌های ادبیات-پایه. اینها طبقه‌بندی تشریحی از پدیده هستند. تلاش برای ارزیابی اینکه چه روش آموزش با بهترین نتایج در ارتباط هستند مملو از آنومالی است. ما پیشنهاد می‌کنیم که این متفاوت است در طرح طبقه بندی بر اساس شرایط ممکن است یک پایه و اساس بهتری از یک تئوری برای طراحی دوره آموزشی ارائه دهد: این که آیا استاد منظور استفاده از این دوره توسعه تئوری است، یا برای کمک به دانشجویان برای تمرین استفاده از تئوری.

هنگامی که طراحی یک دوره آموزشی در یک موضوع خاص است که درباره آن هنوز تئوری هنجاری تولید نشده است، طراحی دوره آموزشی با توجه به قسمت‌های بالای هر متم می‌تواند بسیار سازنده باشد.

به عنوان مثال در سال ۱۹۹۸ پروفسور کن بوون در دانشکده تجارت هاروارد تصمیم گرفت دوره آموزشی را برای اداره کسب و کارهای کوچک طراحی کند، زیرا بسیاری از فارغ التحصیلان رشته MBA در پایان این کار را انجام می دادند. او سپس متوجه شد که مطالب کمی در مورد چگونگی اداره با تکنولوژی سطح پایین و رشد آهسته شرکت ها نوشته شده است.

لذا او در ابتدا مجموعه ای از موردهای ساده ای را نوشت که توضیح می داد چگونه مدیران باید این شرکت ها را اداره کنند. هدف هر کدام از موردهای نوشته شده این بود که به استاد و دانشجویان برای درک کامل یک پدیده کمک نماید. پس از چند جلسه، پروفسور بوون متوقف شد و کلاسی را برای تعریف الگوها در یک پدیده هماهنگ نمود- برای شروع طبقه بندي بر اساس نوع شرکت، نوع مدیریت، و نوع مشکل. آنها سپس به بررسی ارتباط میان این نوع های مختلف، و نتایج مورد انتظار پرداختند.

شرایط دوم این است که در آن به خوبی نظریه های مربوط به تحقیق در یک زمینه مدیریتی در حال حاضر وجود دارد. در این شرایط معماری قیاسی دوره آموزشی می تواند برای بهبود تئوری ها به استادی کمک کند. به عنوان مثال دوره های مورد-پایه ای کلایتون کریستنسن، اگر به صورت قیاسی طراحی شده باشد یک تجارت پایدار را می سازد. برای هر کلاسی دانشجویان ۲ سند را مطالعه می کنند – شامل یک مقاله که یک تئوری هنجاری در مورد یکی از ابعاد عمومی کار مدیران را بیان کرده، و یک مورد کاوی در مورد شرکتی که با مشکلی که مربوط به یک تئوری می باشد، مواجه شده است.

در بحث های کلاسی دانشجویان از طریق نگاه به جنبه های مختلف یک تئوری، مشاهده می کنند که به طور تاریخی چه شرایطی برای شرکت اتفاق افتاده است. آنها همچنین از تئوری استفاده می کنند برای بحث در مورد عملکرد مدیریت که منجر به نتایج مورد انتظار نمی شود، با استفاده از شرایطی که شرکت در آن قرار دارد.

همانطور که این تجرب نشان می دهد، دو گانگی بسیاری که بین تدریس و پژوهش مشاهده می شود نیاز به ایجاد اختلاف ندارد. استادانی به سادگی با این روند در دوره آموزشی مشکل دارند. اما برای اعضای هیئت علمی که مایل به دنبال کردن فرایند ساختن تئوری در آموزش هستند، این کار ممکن است برای توسعه و آموزش دوره ها به عنوان دوره های پژوهش بهتر باشد. استادان ممکن است خود را در دو شرایط مختلف بینند. یکی هنگامی که در مورد یک تئوری هنوز همبستگی و اجماع وجود ندارد، که معماری استقرایی مناسب است. و یکی هم هنگامی که تئوری سودمندی وجود دارد، که یک معماری استقرایی می تواند معنی دار باشد.



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

✓ لیست مقالات ترجمه شده

✓ لیست مقالات ترجمه شده رایگان

✓ لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI

سایت ترجمه فا؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی

با این حال در هر دو شرایط، استادانی که علاوه بر ایجاد تئوری و کمک به دانشجویان برای اینکه یاد بگیرند که چگونه از تئوری استفاده کنند، می‌توانند قدرت فکری دانشجویانشان را با هدایت آن‌ها به سمت چرخش در بالا و پایین هرم ساختن تئوری و تئوری پردازی بیشتر کنند.